

حسبی الله

بنده شہادہ ولایت عباس ۱۹۹۹

جانب ہر کہ با علی نہ نکوست
ہر کہ گو باش من ندارم دوست
ہر کہ چون خاک نیست بر در او
گر فرشته است خاک بر سر او

فرمان ہمایون شرف نفاذ یافت^۲

آنکہ چون بموجب حکم جہانمطاع آفتاب ارتفاع وامثلہ دیوان الصداریۃ العلمیۃ العالیۃ اقصی القضاۃ کیلان بیہ پیش^۳ عموماً وقضا و تصدی شرعیات لاهیجان و دیلمان و خرکام و باشجاو آشنیان کماجال^۴ و حسن کیادہ و پیش- نمازی مسجد جامع لاهیجان و [-] شرعی [-] و بعضی [-] واقع در آنجا بشریعت و فضیلت پناہ افادت و افاضت دستگاہ اقصی القضاۃ شمساً للرفعة والافادۃ قاضی محمد متعلق و مرجوع است و در این ولایت مشارالیه بدر گاہ جہان پناہ آمدہ التماس حکم تأکید در این بابت نمودہ بنا بر توجہ خاطر عاطر شرع آرا و تعلق خاطر ضمیر [منور] خورشید ضیاء ، باعالی اعلام شریعت غرانبوی^۵ و ارتفاع ملت زہرا مصطفوی^۶ شفقت و مرحمت شاہانہ^۷

شامل حال شریعت پناه مشارالیه فرموده مجدداً مناصب و مهمات مذکورہ را بلا مشارکت غیر بدستور شفقت و عنایت فرمودیم کہ من حسب الانفراد والاستقلال بامور مذکورہ و لوازم آن قیام و اقدام نموده مساعی جمیلہ بظہور رساند . سادات عظام و ارباب و اہالی و اصحاب و رعایا و سکنۃ لاهیجان و دیلمان و محال مذکورہ و توابع امور مزبور را بدستوری کہ قبل از این بشریعت پناه مشارالیه مفوض و مرجوع بود بہماندستور بمومی الیہ متعلق شناخته او امر و نواحی مشروعہ او را مطیع و منقاد باشند و لوازم امور مذکورہ را بدو متعلق دانستہ احدی را بدو شریک و سہیم ندادند و چون در حکم اشرف و امثلہ مذکور مرقوم گشتہ کہ متقاضیان و قضاة جزو خود را بعزل او معزول و بنصب او منصوب دانستہ ، اگر حکم و مثالی در این بابت گذرانیدہ باشند بدان مستند نگردند و چون تنقیح مرافعات شرعیہ باو متعلق است احدی دخل ننمودہ و مخصوص او دانند . متقاضیان و قضات جزو خود را بعزل او معزول و بنصب او منصوب شناخته موافق حکم و امثلہ مذکور عمل نمایند . وزیر و حاکم و کلانتر و عمال محال مذکور دست تصدی و شرعی شریعت و افادت پناه مشارالیه را در امور مذکور قوی دانستہ اعزاز و احترام و تقویت و تمسیت او بجای آورده احدی را مدخل در امور مذکور ندهند و امداد و اعانت شرعی لازم دانستہ از جوانب برینجملہ روند و ہر سالہ حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچہ بہ مہر اشرف رسد اعتماد نمایند .